

## مقدمه

### الف) بیان مسأله :

قرون وسطی<sup>۱</sup> یکی از دوره های بسیار پر رمز و راز از تاریخ است . این دوره به نام ها و القاب مختلفی توسط اندیشمندان و مورخان و فلاسفه خوانده می شود . دوران تحجر ، عصر تاریک اندیشی ، دوره دگماتیسم<sup>۲</sup> و تفتیش عقاید و دیگر القابی از این دست که بیشتر طنینی منفی دارند . به عبارت دیگر نگاه ها و واکنش ها به این دوره از تاریخ بشر، انتقادی و سرزنش آمیز است . به طوری که نه تنها با کمتر تحلیل و ارزیابی مثبتی از قرون وسطی رو به رو می شویم ، بلکه بررسی و موشکافی بی طرفانه از این عصر نیز بسیار اندک است .

اولین وظیفه این رساله مقابله و چالش با نگاهی است که به تاریخ باگست معرفت شناختی برخورد می کند . به عبارت دیگر این نگاه قائل به این است که اندیشه ها ، نظریه ها و به طور کلی چارچوب تفکر هر دوران متعلق به همان دوران است و با سپری شدن هر دوره از تاریخ این چارچوب نیز عوض می شود و بالطبع امکان دیالوگ و بده بستان های معرفتی بین دوران های مختلف به کلی قطع می گردد .

از این دیدگاه مفاهیمی چون حقوق بشر<sup>۳</sup> ، دموکراسی<sup>۴</sup> ، سیاست مدرن<sup>۵</sup> ، حقوق شهروندی و ... همگی متعلق به دوران مدرن هستند و هر گونه جهد و کوششی در پیدا کردن رِدّ پایی از این مفاهیم در تاریخ پیشامدرن تلاشی عقیم و کوششی بی ثمر است . در حالی که از دید این نوشتار، هر اندیشه و مفهومی تباری دارد که با ردگیری عمیق و ژرف می توان به آن دست

---

<sup>۱</sup> . اصطلاح قرون وسطی در زبان فارسی ترجمه اصطلاح های اروپایی آن است . این دوره تاریخی را به زبان انگلیسی The Middle Ages می نامند . البته قبل از زبانهای جدید اروپایی این اصطلاح در زبان لاتین هم مورد استفاده قرار می گرفت . برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : ایلخانی ، محمد ، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس (۱۳۸۲) چاپ اول ، تهران انتشارات سمت .

<sup>۲</sup> . جزم باوری ، از دید فلسفی بیانگر اندیشه غیر دیاکنتیکی، متافیزیکی است ، که بر معارف حاصله بدون کوچکترین انتقاد باور می آورد ، آن ها را به طور کلیشه ای در شرایط جدید پیاده می کند ، بدون این که خود به تحلیل و واکاوی آن ها پردازد .

<sup>۳</sup> . Human Rights

<sup>۴</sup> . Democracy

<sup>۵</sup> . Modern Politic

یافت . به سخن دیگر اندیشه ها و مفاهیم در خلأ به وجود نمی آیند و همگی محصول و فرآورده تاریخی اند که همیشه بوده و از این پس نیز وجود دارد . در این دیدگاه تاریخ سیری خطی دارد و رشته تفکر با گست های متعدّد منتفع نمی شود . دیدگاه مختار در این مقال امکان گفتگو و مفاهمه بین هر دوره از تاریخ را منتفی نمی داند . بلکه برعکس ، بر این عقیده است که هر دوره شامل آموختنی های بسیار از دوران های قبل ، به علاوه ابتکار و خلاقیت جدید است .

یکی از مفاهیمی که توسط اندیشمندان و فلاسفه و متفکرین علوم سیاسی به کار رفته و به آن پرداخته می شود ، مفهوم "دولت مدرن"<sup>۶</sup> است و همان طور که از نامش پیداست ، اغلب متفکرین سیاسی این مفهوم را بی چون و چرا متعلق به دوران مدرن می دانند و با ذکر مؤلفه ها و ویژگی های این مفهوم سعی در ارائه تعاریفی از دولت مدرن دارند که گویی به تمامی محصول دوران جدید است و بشر پیشامدرن از درک و فهم این مفهوم به کلی عاجز است ، تا چه رسد به جعل و ابتکار آن . وظیفه دوّم این تحقیق نقد این نظر است و سعی در اثبات این نکته که : هر چند دولت مدرن محصول شرایط فکری ، اجتماعی و اقتصادی دوران مدرن است ، امّا باید ریشه های این مفهوم را در خاک قرون وسطی یافت .

به بیان دیگر قرون وسطی به منزله زمینی است که بذر دولت مدرن در آن پاشیده شده و بعد از قرون وسطی این بذر تبدیل به درختی تناور شده است . واضح است که اثبات این مدّعا امری سترگ است و به هیچ روی به سادگی امکان پذیر نیست . برای اثبات این مدّعا باید قرون وسطی را از نزدیک و با دقت بسیار بررسی کنیم . با شرایط سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی آن آشنا شویم و از همه مهم تر آن که سیر اندیشه و تفکر در این دوران را به دقت مورد کاوش قرار دهیم و از نظریات فلاسفه و اندیشمندان این دوران مطلع شویم ، تا بتوانیم اثبات کنیم که چگونه تغییرات و اوضاع سیاسی و اقتصادی قرون وسطی ، موجب پیدا شدن ریشه های این

<sup>۶</sup> . برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : تی بلوم ، ویلیام ، نظریه های نظام سیاسی ، کلاسیک های اندیشه سیاسی و تحلیل سیاسی نوین (۱۳۷۶) ترجمه احمد تدّین ، تهران ، نشر آران .

مفهوم در ذهن اندیشمندان این دوره شده است و متقابلاً تأثیر آراء این اندیشمندان بر اوضاع سیاسی و اقتصادی این دوره مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، تا باز به تعبیر هگلی<sup>۷</sup>، دیالکتیک ذهن و عین در این دوران مشخص گردد. بعد از این کار نوبت به ردگیری و تدقیق مؤلفه‌های "دولت مدرن"<sup>۸</sup> هر چند به صورت ناقص و ابتدائی در قرون وسطی است، تا بدین سان وظیفه اصلی این نوشتار به انجام رسد. البته وقتی سخن از دولت مدرن می‌رود، باید ذکر کرد که دولت مدرن یکی از شاخه‌های مفهومی عظیم‌تر به نام سیاست مدرن است و برای این که با مفهوم دولت مدرن و ویژگی‌ها و نشانه‌های آن و سیر تاریخی آن آشنا شویم، لازم است ابتدا به "سیاست مدرن"<sup>۹</sup> بپردازیم. پس آشنایی با سیاست مدرن و ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن با دولت مدرن از وظایف جنبی ولی مهم این رساله است.

این رساله تنها به ذکر وقایع و رویدادهای تاریخی اکتفا نکرده و اصولاً چنین رسالتی برای خویش قائل نبود. این تحقیق بیشتر بر سر آن بود تا تأثیر اندیشه‌ها، نظریه‌ها و قدرت تاریخ ساز آن‌ها را آشکار کند و نشان دهد که تاریخ تنها با وقایع و تحولات به پیش نمی‌رود، بلکه اندیشه‌ها و تفکرات نیز به نوبه خود بر وقایع و تحولات تاریخی اثر می‌گذارند و باعث راندن تاریخ به پیش می‌شوند. در این تحقیق اشکال و صور گوناگون دولت مدرن بررسی شدند و نشان داده شد که دولت مدرن در طول تاریخ تنها به یک شکل و یک صورت ظاهر نشده و رخ ننموده است، بلکه در هر دوره به شکلی و در کسوتی متفاوت آشکار شده و در این نوشتار به ذکر خصوصیات چند نمونه از اشکال دولت مدرن پرداخته شد و در مبحث آخر سعی بر آن شد تا نشان داده شود که چگونه نظریات اندیشمندان سیاسی قرون وسطی هر کدام با شکلی از اشکال دولت مدرن در ارتباط است. دولت‌های مطلقه، دولت‌های محافظه کار و دولت‌های

---

<sup>۷</sup>. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: مجتهدی، کریم، درباره هگل و فلسفه او، مجموعه مقالات (۱۳۷۰) چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.

<sup>۸</sup>. Modern State

<sup>۹</sup>. Modern Politic

لیبرال مورد بررسی دقیق واقع شدند . خصوصیات و ویژگی های آنان به تفصیل بیان شد و رد پا و رگه هایی از این خصوصیات در آراء اندیشمندان قرون وسطی رد گیری و برجسته سازی شد .

هدف و غرض اصلی این رساله این بود تا نشان دهد که دولت مدرن هر چند مفهومی متعلق به دوران مدرن و ساخته و پرداخته تفکرات و اندیشه های فیلسوفان سیاسی مدرن است ، اما وقتی در یک تبار شناسی دقیق و تاریخی مورد بررسی واقع می شود ، می توان ریشه های آن را به گذشته های دورتر برد و در قرون وسطی شکل گیری این ریشه ها را به نظاره نشست .

این تحقیق ۳ هدف ذکر شده را برای خود در نظر گرفته بود و در این رساله سعی شد تا حد امکان به این ۳ هدف پرداخته شده و مدعاهای آنها اثبات شود . در این نوشته از میان متفکران و اندیشمندان متعدّد قرون وسطی به بررسی آراء سه تن از برجسته ترین نظریه پردازان سیاسی این دوره اکتفا کردیم و بر این باوریم که آراء و اندیشه های این متفکران از چنان وسعت و تنوعی برخوردار است که نظرات سایر متفکران این دوره را پوشش می دهد . قرون وسطی عصری تقریباً ناشناخته است ، ولی تفکر فلسفی و اندیشه های ناب فلسفی و سیاسی در سراسر این دوران به مانند سایر دوران ها جریان دارد . این دوران در خور بررسی و مطالعه بیشتر و دقیق تر از جانب محققان و دانش پژوهان است .

#### (ب) اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن :

همانطور که می دانیم قرون وسطی به نسبت دیگر ادوار تاریخ کمتر شناخته شده و این منشاء سوء تفاهات بسیار در مورد این دوره از تاریخ بشر شده است و این در حالی است که در این دوران تفکر فلسفی دارای جریانی زنده و پویا بوده و اندیشمندان بزرگی نماینده تفکر این قرون هستند . در این میان اندیشه سیاسی و سیر تحول و تطور آن از اهمیت فراوانی برخوردار

است. زیرا تفکر سیاسی در قرون وسطی ادامه تفکر سیاسی یونان باستان و زمینه پیدایش اندیشه سیاسی مدرن است. اندیشه هایی که در قرون وسطی پرورده شده و در یک سیر تحول منجر به پیدایش و ظهور اندیشه سیاسی مدرن شده اند، اندیشه هایی در خور مطالعه اند. انگیزه این نوشتار ضمن آنکه زدودن پاره ای سوء تفاهمات نسبت به قرون وسطی و جریان فکری حاکم بر آن است، این است که نشان دهد چگونه اندیشه سیاسی قرون وسطی زمینه ساز فلسفه سیاسی مدرن شد.

### ج) هدفهای تحقیق :

در بررسی تاریخ اندیشه ها و سیر تطور آنها دو نگاه وجود دارد. اول: نگاهی که قائل به گسست معرفت شناختی بین یک دوره با دوره دیگر است و امکان تأثیر یک دوران تاریخی بر دوران بعد را منتفی می داند. اما نگاه دیگر قائل به سیر خطی معرفت است و امکان دیالوگ و تأثیر قرون قبل بر قرون بعد را به رسمیت می شناسد. یکی از هدفهای این تحقیق تقویت نگاه دوم به تاریخ اندیشه است و معتقد است که اندیشه سیاسی در قرون وسطی در یک سیر خطی منجر به پیدایش اندیشه سیاسی مدرن گردید و اینکه درخت فلسفه سیاسی مدرن چگونه از ریشه هایی که در قرون وسطی داشت سیراب گردید و رشد و نمو کرد. هدف دیگر این تحقیق ناشناخته زدایی از قرون وسطی است و امید است این تحقیق باعث شود تا این دوره مهم از تاریخ اروپا بیشتر مطالعه و بررسی شود.

### د) سوالات یا فرضیه های تحقیق :

این تحقیق در مقام پاسخ به پرسشهای زیادی است که بعضی از آنها به شرح زیرند:

سؤال اصلی :

ریشه های شکل گیری دولت مدرن در قرون وسطی کدامند؟

سؤالات فرعی:

۱- نگاه اندیشمندان قرون وسطی به مفهوم دولت چگونه است؟

۲- اندیشه های زمینه ساز فکر سیاسی مدرن کدامند؟

ح) روش تحقیق :

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اینترنتی صورت پذیرفته است .

چ) سازمان دهی تحقیق :

رساله پیش رو در دو بخش تدوین شده . در بخش اول به مبانی نظری دولت در قرون وسطی پرداخته شده و اندیشه های سیاسی قرون وسطی مورد شرح و بسط قرار گرفته اند . در این بخش آراء سه متفکر سیاسی بزرگ این دوره به تفصیل مورد بررسی واقع شده و از رابطه دین و دولت در قرون وسطی سخن رفته است . در بخش دوم و پایانی این رساله از پیدایش دولت مدرن بحث شده و ارکان و بنیانهای دولت مدرن مورد شناسایی واقع شده و تشکیل عناصر دولت مدرن در قرون وسطی مورد بررسی واقع شده است .

**بخش اول :**  
**مبانی نظری دولت**  
**در قرون وسطی**

## فصل اول: روح حاکم بر سیاست و اقتصاد در قرون وسطی

«امپراطوری روم غربی به علت فساد اخلاقی و فشارهای شدید به بردگان، در سال ۴۷۶ میلادی با عصیان بردگان سقوط کرد. بدین ترتیب «نظام برده داری»<sup>۱۰</sup> که میراث یونانیان باستان بود و یکی از موانع اصلی پیشرفت اقتصادی و فرهنگی محسوب می شد، از بین رفت و جای خود را به نظام جدید «فئودالی» داد. همان گونه که برده داری از دوران نظام اشتراکی ابتدایی بیرون آمد، فئودالیسم<sup>۱۱</sup> نیز از بطن نظام برده داری آشکار شد. دلیل آن نیز نفوذ روز افزون زمین داران بزرگ بود که دهقانان کوچک را از صحنه خارج می کردند. املاک بزرگی که بردگان روی آن ها کار می کردند، بهترین نمونه اراضی فئودالی تلقی می شد.»<sup>۱۲</sup>

«از سوی دیگر، مسیحیت کاتولیک در اواخر امپراتوری روم غربی کم کم به دین اکثریت تبدیل شد. چنانکه با سقوط امپراتوری روم غربی، پاپ رهبر کلیسای کاتولیک<sup>۱۳</sup>، حاکمیت سیاسی را به دست گرفت. کلیسای کاتولیک نیز با در نظر گرفتن سنت مسیحی که آن را حقیقت مطلق می دانست با استفاده از ابزار نظری و اعتقادی و گاهی فیزیکی کوشید تا ارتباط تفکرات نظری با اعتقادات مسیحی را حفظ کند. به عبارت دیگر کوشش شد تا تفکرات نظری تابع اعتقادات مسیحی شود. در نتیجه این تلاش ها فلسفه و علوم در این دوره یا در خدمت دین بود یا در ارتباط با آن شکل می گرفت. بدین ترتیب با پایان یافتن عصر جهان باستان سده های میانه شروع می شود.<sup>۱۴</sup> در این دوران اروپا با اشاعه آیین کلیسا در قالب تفکر مذهب کاتولیک

---

<sup>۱۰</sup> . برده داری اشکال متنوعی داشته و حقوق قانونی و خود مختاری بردگان به صورت های مختلفی متجلی می شده است . برای مثال : در شهر آتن در دوران باستان ، بردگان با وجود آنکه مایملک اربابان خود بوده اند ، با این حال می توانسته اند در موقعیت های مسؤلیت پذیری قرار بگیرند و ... برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : گیدنز ، آنتونی ، جامعه شناسی (۱۳۷۸) ترجمه منوچهر صبوری ، چاپ پنجم ، تهران ، نشر نی .

<sup>۱۱</sup> . feudalism

<sup>۱۲</sup> . مظلومیان ، یاسر ، عقاید اقتصادی در قرون وسطی ، وب سایت : ymaz.persianblig.ir - ۲۰ / آبان / ۱۳۹۰ ، ص ۵ .

<sup>۱۳</sup> . The leader of the catholic church

<sup>۱۴</sup> . برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : برهیه ، امیل ، تاریخ فلسفه قرون وسطی و دوره تجدید (۱۳۸۰) ترجمه یحیی مهدوی ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات فارابی .

قرار گرفت و برای ده قرن نظام اقتصادی و اجتماعی اروپا تابع جهان بینی کاتولیک شد . بر اساس این جهان بینی سیاست و اقتصاد از مذهب جدا نبود.»<sup>۱۵</sup>

### مبحث اول : اوضاع اقتصادی اروپا در آستانه قرون وسطی

« در قرون وسطی ، اقتصاد اروپا بر مبنای نظام فئودالیسم استوار گردید . در این چهار چوب جامعه عمدتاً به دو طبقه زمین داران ، اشراف و کشاورزان وابسته به زمین ( سروها ) تقسیم شد . علاوه بر این طبقه دیگری به نام "پیشه وران"<sup>۱۶</sup> نیز وجود داشت . طبقه زمین دار از اشراف و روحانیون بزرگ مسیحی تشکیل یافته بود . سران نظامی ، جنگاوران ، شوالیه ها و برده داران رومی که توانسته بودند املاک خود را حفظ کنند ، در زمره اشراف بودند و معاش آن ها به کار کشاورزان و پیشه وران بستگی داشت . در نظام فئودالیسم زمین و قدرت متعلق به فئودال ها بود که سروها را استثمار می کردند . »<sup>۱۷</sup>

با توجه به ویژگی های مختصری که در این دوره بیان شد ، تحقیقات اقتصادی در قرون وسطی نیز نمی توانست از شیوه تفکر آن دوره جدا باشد . تفکری که تمام علوم را در دایره کوچکی تبیین می کرد . نتیجه آن که تحقیقات اقتصادی دامنه ای محدود داشت و مباحث اقتصادی در قرون وسطی در اطراف معیارهای کلیسا دور می زد . از نظر علمای قرون وسطی ارزش یابی عملکرد اقتصادی مهمتر از تحلیل آن بود . در نتیجه در مباحث اقتصادی بیشتر جنبه های اخلاقی مسائل اقتصادی پوشش داده می شد . در نهایت باید به این سؤال پاسخ داده می شد که : آیا موضوعات اقتصادی منطبق با قوانین مذهبی است یا نه؟

<sup>۱۵</sup> عقاید اقتصادی در قرون وسطی ، سایت saipa online.com – ۸ / اردیبهشت / ۱۳۹۱ ، ص ۲ .

<sup>۱۶</sup> . Trades mans

<sup>۱۷</sup> . الماسی ، عاطفه ، مکتب اسکولاستیک ، hisonomic.blogfa.com – ۲۹ / آبان / ۱۳۹۰ ، ص ۳ .

متفکران این دوره نیز در چهارچوب همین ویژگی ها فعالیت می کردند . البته ناکفته نماند که فیلسوفان قرون وسطی تفکراتشان ترکیبی از مسیحیت و آرای دو فیلسوف یونان باستان یعنی « افلاطون<sup>۱۸</sup> و ارسطو<sup>۱۹</sup> بود .»<sup>۲۰</sup>

« توماس آکوئیناس<sup>۲۱</sup> یکی از نامدارترین فیلسوفان قرون وسطی فلسفه ای دارد که تلفیقی است از فلسفه ارسطو با اصول مسیحیت . با این تلفیق آکوئیناس همه مباحث اقتصادی را بر اساس انطباق هر یک با منطق ارسطو و اصول مسیحی مورد بحث قرار می دهد.

در عقاید توماس اصل اخلاق و عدالت بر تمامی مسائل حاکم است . وی در زمینه مالکیت ، ثروت ، قیمت ، سود و مزد مباحثی را در کتاب خود به نام «سیستم خدانشناسی» ارائه کرده است . در تمامی این مباحث مسئله اساسی مورد توجه وی انطباق عدالت با مسائل اقتصادی بوده است . به عنوان مثال : آکوئیناس معتقد بود بین اشیاء مصرفی و اشیاء غیر مصرفی تفاوت وجود دارد . در مورد اشیاء غیر مصرفی مانند : خانه و زمین ، مالک می تواند بدون آن که مالکیت آن ها را به دیگری واگذار کند در برابر مایملک خود اجاره بگیرد . به اعتقاد آکوئیناس مطالبه قیمت استفاده از آن ها کاملاً مشروع است . لیکن در مورد استفاده از اشیاء مصرفی که پس از مصرف ترجیحاً مستهلک شده و از بین می رود ، گرفتن اجاره بها نامشروع است . آکوئیناس ربا را مردود می شمارد و آن را مغایر با اخلاق و عدالت می داند . مالکیتی که مطابق با ضوابط اخلاقی باشد ، مورد تحسین توماس است . به هر حال رویکرد متفکران اقتصادی قرون وسطی از دایره دین مسیحیت کلیسایی بیرون نیست و به غیر از توماس آکوئیناس نمی توان به متفکر برجسته دیگری اشاره کرد که عقاید اقتصادی تأثیر گذاری ارائه

---

<sup>18</sup> . Plato

<sup>19</sup> . Aristotle

<sup>۲۰</sup> . برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : بورمان ، کارل ، افلاطون (۱۳۸۹) ترجمه محمد حسن لطفی ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات طرح نو ، همچنین نگاه کنید به : نوسبام ، مارتا ، ارسطو (۱۳۸۹) ترجمه عزت الله فولادوند ، چاپ چهارم ، تهران ، انتشارات طرح نو .

<sup>21</sup> . Tomas Aquinas

کرده باشد. در نهایت این که مجموعه فعالیت های اقتصادی در اروپای قرون وسطی با محوریت کلیسا انجام می گرفت و متفکران آن دوره در حوزه های مختلف تنها در گفتمان کلیسا فعالیت می کردند.<sup>۲۲</sup>

### مبحث دوم: اوضاع سیاسی اروپا در آستانه قرون وسطی

« با سقوط نظام سیاسی "امپراتوری روم"<sup>۲۳</sup>، کم کم کلیسا جای آن را گرفت و در قرن های بعد به امپراتوری پاپ تبدیل شد. در آن زمان شرایط حاکم بر ساختار جامعه طوری بود که زمینه مستعدی را برای حضور کلیسا در عرصه های مختلف محیا کرد. با فروپاشی امپراتوری موجی از بی نظمی سراسر اروپا را فرا گرفت. اقوامی که امپراتوری را فتح کرده بودند به جای نظم واحد گذشته، هر کدام در هر منطقه اقدام به شکل دهی نظم بر اساس آداب و رسوم و عقاید خود کردند. در این برهه زمانی بود که راه های امپراتوری روم نیز به خاطر بی اهمیت شدن کم کم فراموش و تخریب شدند. فرهنگ قوم های مهاجم که امپراتوری روم را فتح کرده بودند جای فرهنگ رومی را گرفت. فرهنگی جدید مبتنی بر رسوم قبیله ای که بر قسمت زیادی از اروپا سیطره یافت. در آن دوران که فئودالیسم رونق داشت، فئودال ها برای توجیه آزار و ستمی که بر رعیت<sup>۲۴</sup> روا می داشتند از آیین مسیح بهره می بردند تا وضع خود را همچنان حفظ کنند. یکی از عقاید رایج در آن زمان این عقیده بود که رنج و سختی در نتیجه گناه اولیه انسان است و با کشیدن رنج و مشقت، گناه انسان پاک شده و در نهایت رستگار می

---

<sup>۲۲</sup> الماسی، عاطفه، مکتب اسکولاستیک، پیشین، ص ۵.  
<sup>۲۳</sup> برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: ویتینگتون، هاری، سقوط امپراتوری روم (۱۳۴۳) ترجمه سیروس ارشادی، چاپ اول، تهران، انتشارات پرستو.

<sup>۲۴</sup> Helot

گردد . در این میان کلیسا نیز مانند فئودال ها دارای ملک و گله و دیگر ابزار تولید بود . کلیسا به ترویج این اصل می پرداخت که بهشت در نتیجه درد و رنج دنیا میسر است .<sup>۲۵</sup>

« در سال ۳۹۳ دین مسیح به عنوان دین رسمی پذیرفته شد و در سال ۱۰۵۴ کلیسا به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد ؛ کلیسای کاتولیک غربی به ترویج فرهنگ فئودالی پرداخت و به آن دامن زد ، که این دامن زدن برای کلیسا نیز خالی از فایده نبود . در این میان شاهان نیز حضور داشتند ولی از جایگاه ضعیفی برخوردار بودند . با این وجود کلیسا برای به نمایش در آوردن وحدت ملی از آن ها در مقابل فئودال ها حمایت می کرد . غافل از این که همین شاهان در آینده رقیبی برای کلیسا خواهند شد . نقش شاهان در آن زمان منحصر به این بود که در میان درگیری های فئودال ها به عنوان داور عمل می کردند و تحت عنوان سمبل وحدت ملی ، جایگاهی تشریفاتی داشتند . قدرت واقعی در آن زمان در دست فئودال ها بود . شاه یا کلیسا از قدرت چندانی برخوردار نبودند . شاه در واقع یک فئودال بود که فقط می توانست در حیطه ملک خود حکم براند . در این میان رابطه میان کلیسا و فئودال ها به شکلی بود که کلیسا اندیشه هایی را که برای این نظام مفید بود به وجود آورده و ترویج می کرد و در عوض فئودال ها سهم کلیسا را پرداخت می کردند . آن چه که تاریخ نشان می دهد این است که فئودال ها و کلیسا هر دو بر مردم مسلط بودند .<sup>۲۶</sup> پس در بخش اعظم از قرون وسطی قدرت سه پایه داشت . پایه اول : فئودالها ، پایه دوم : کلیسا و پاپ و پایه سوم : پادشاه ؛ که این قدرت از پایه اول به پایه سوم تضعیف می شد .

<sup>۲۵</sup> . فرمانی ، محمد جواد ، روند تحولات سیاسی در قرون وسطی، وب سایت : donyayesiasat.com - ۱۴ / مهر / ۱۳۹۱ ، ص ۲ .

<sup>۲۶</sup> . فرمانی ، محمد جواد ، روند تحولات سیاسی در قرون وسطی ، پیشین ، ص ۳ - ۲ .

## فصل دوم : اندیشه سیاسی در قرون وسطی

سرزمین های قرون وسطی مانند سایر اعصار و دوران های بشری توسط حکومت هایی اداره می شدند . این حکومت ها هم بر اساس ایدئولوژی شکل گرفته بودند و هم در شکل دهی به ایدئولوژی حکومت نقش داشتند . به تعبیری نوعی تأثیر و تأثر بین ایده و واقعیت در این دوران حکمفرما بود . ما در این جا برای آن که بتوانیم اندیشه سیاسی در قرون وسطی را بررسی کنیم ، ناچاریم سطح تحلیل خود را قرن ها به عقب ببریم و از دوران ظهور کتاب مقدس و عهد جدید آغاز کنیم . به عبارت دیگر نیازمند بررسی پس زمینه عهد جدیدی سیاست در قرون وسطی هستیم .

### مبحث اول : زمینه عهد جدیدی سیاست در قرون وسطی

« در تمامی طول قرون وسطی ، تعالیم عهد جدید تأثیری قاطع بر اندیشه سیاسی و اجتماعی داشت . عهد جدید مجموعه ای است از بیست و هفت نوشته مقدس که در اوایل تاریخ کلیسا گردآوری شده است . اجزای اصلی این نوشته ها متشکل از چهار انجیل مرقس<sup>۲۷</sup> ، لوقا<sup>۲۸</sup> ، متی<sup>۲۹</sup> ، یوحنا<sup>۳۰</sup> ، اعمال رسولان و مجموعه هایی از رساله ها ، که سیزده تای آن ها رساله های پولس رسول هستند .»<sup>۳۱</sup>

در تحلیل ما آن چه کار را دشوار می کند این است که عهد جدید واجد یک فلسفه سیاسی ساخته و پرداخته نیست.

27. Markos

28. Luqa

29. Mata

30. Youhannan

31. کلسکو ، جورج ، تاریخ فلسفه سیاسی ، ترجمه خشایار دیهیمی (۱۳۹۰) ، جلد دوم ، چاپ اول ، تهران ، نشر نی ، ص ۷.

« عیسی و آبا‌ی نخستین کلیسا در اکثر موارد عمیقاً ضدّ سیاسی بودند و فقط با زحمت زیاد می‌توان دیدگاه‌های سیاسی آن‌ها را استخراج کرد. جوهر پیام عیسی، طلوع ملکوت خداوند یا ملکوت آسمان بود. تعالیم عیسی تا حدودی با آموزه‌های یهودی سازگار بود. یکی از مضامین اصلی در اناجیل به تحقق رساندن پیشگویی‌های عهد عتیق به دست عیسی (ع) بود. عیسی دقیقاً توضیح نمی‌داد منظورش از ملکوت آسمان چیست؟ هر چند این عبارت را زیاد به کار می‌برد. اما از جهتی تعالیم عیسی بسیار بکر و اساسی و تازه بود. زیرا معطوف به آینده نبود و می‌گفت ملکوت آسمان هم اکنون محقق است و از این جهت با سنت یهودی بسیار فرق داشت. زیرا یهودیت معطوف به آینده بود و وعده می‌داد تعالیم سیاسی عهد جدید بر دو نکته استوار است:

۱- عظمت آن چه در کار آمدن است؛

۲- این عظمت اگر هنوز هم نیامده باشد به زودی می‌آید.»<sup>۳۲</sup>

منظور مصائب روزهای آخر است.

« پیامد‌های اجتماعی و سیاسی فرا رسیدن ملکوت آسمان از حدّ و حساب بیرون است. زندگی انسانی آن گونه که بود، دیگر نخواهد بود. آن چیزهایی که مردمان به آن‌ها اهمیت می‌دادند، دیگر در برابر وقایع پیش رو رنگ می‌بازند. بر خلاف جهان‌گذران که در آن دوام و بقائی نیست، ملکوت آسمان ابدی است و در قیاس با ملکوت سایر چیزها اهمیت ندارند. در اندیشه عیسی فرد مسیحی برای مدتی در این جهان اقامت دارد و اعتنایی به قوانین و نهادهای سیاسی ندارد.»<sup>۳۳</sup>

<sup>۳۲</sup> کلسکو، جورج، تاریخ فلسفه سیاسی، پیشین، ص ۱۱ - ۱۰.

<sup>۳۳</sup> کلسکو جورج، پیشین، ص ۱۲.

« این اندیشه عیسی که فرد مسیحی برای مدتی در این جهان اقامت دارد و اعتنایی به قوانین و نهادهای سیاسی ندارد ، کاملاً می تواند منتهی به رادیکالیسم سیاسی<sup>۳۴</sup> افراطی شود . تعالیم عیسی (ع) از یک طرف با تعالیم افلاطون مشابه است . افلاطون در جمهوری می گوید:

« جهانی که تجربه می کنیم جهانی واقعی نیست و ارزش های مطلق منشأیی در بیرون از این جهان دارند.»<sup>۳۵</sup>

« در نظر افلاطون این هم آمیزی ایده ها اقتضا می کند که شاه – فیلسوف جامعه موجود را کاملاً پاک کند تا از روی الگویی واقعی تر آن را از نو بنا کند.»<sup>۳۶</sup> (رادیکالیسم و انقلابی گری سیاسی)

« اما در تعالیم عیسی مسیح ارزش های مطلق او منجر به محافظه کاری سیاسی می شود . در نظر عیسی و پیروانش طلیعه ارزش های واقعی را می توان تا فرا رسیدن جهان آتی به تعویق انداخت . فرد مسیحی تا زمانی که در این جهان است خودش را با هنجارها و ارزش های اجتماعی وفق می دهد.»<sup>۳۷</sup> (محافظه کاری سیاسی)

در این جا نوبت به آن رسیده است که با تعالیم سیاسی عهد جدید به اختصار آشنا شویم تا دریابیم چشمه ای که به عنوان فلسفه سیاسی قرون وسطی جاری است از کدام سرچشمه ها مشروب می شود.

« تعالیم سیاسی عهد جدید پیرو تعالیم اجتماعی آن است . آشکار ترین بیان رابطه اتباع با دولت را می توان در فصل سیزدهم رساله پولس به رومیان یافت . این قطعه ، مهمترین قطعه در فلسفه سیاسی قرون وسطی است .

<sup>34</sup> Political Radicalism

<sup>۳۵</sup> افلاطون ، جمهوری ، ترجمه محمد حسن لطفی (۱۳۸۰) ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات خوارزمی ، ص ۲۱ .

<sup>۳۶</sup> کلسکو ، پیشین ، ص ۲۱ .

<sup>۳۷</sup> پیشین ، ص ۲۲ .

هر شخص ، مطیع قدرت های برتر شود . زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آن هایی که هست از جانب خدا مرئب شده است . حتی هر که با قدرت مقاومت نماید ، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد و هر که مقاومت کند ، حکم بر خود آورد . زیرا از حکام عمل نیکو را خوفی نیست ، بلکه عمل بد را . پس اگر می خواهی که از آن قدرت ترسان نشوی ، نیکویی کن که از او تحسین خواهی یافت . زیرا خادم خداست برای تو ، به نیکویی . لکن هر گاه بدی کنی ، بترس چون که شمشیر را عبث بر نمی دارد . زیرا او خادم خداست و با غضب و انتقام از بدکاران می کشد . پس لازم است مطیع او شوی نه به سبب غضب ، بلکه فقط به سبب خیر خود . نیز چون خدام خدا و مواظب در همین امر هستند .»<sup>۳۸</sup>

#### تفسیر:

این قطعه از پولس<sup>۳۹</sup> بسیار شگفت انگیز و تکان دهنده است :  
یکم : دستور اکید برای اطاعت از مقامات سیاسی است ، زیرا گفته می شود دولت از خداوند قدرت گرفته است .  
دوم : فلسفه وجودی دولت این است که بدکاران را مجازات کند و بدین ترتیب صلح و آرامش را حفظ کند .

اینک قطعه ای دیگر از پولس رسول و آن گاه تفسیر وی :  
« لهدا هر متعصب بشری را به خاطر خداوند اطاعت کنید . خواه پادشاه را که فوق همه است و خواه حکام را که رسولان وی هستند . به جهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران . پس پادشاه را احترام نمایید .»<sup>۴۰</sup>

#### تفسیر:

---

<sup>۳۸</sup> پیشین، ص ۳۰  
<sup>۳۹</sup> برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : بی ناس ، جان ، تاریخ جامع ادیان (۱۳۸۱) ، ترجمه علی اصغر حکمت ، چاپ پانزدهم ، تهران ، شرکت انتشارات علمی فرهنگی .  
<sup>۴۰</sup> کلسکو پیشین ، ص ۳۱ .

آن چه در پشت این نگاه به دولت در این قطعه نهفته است ، نگاهی بسیار منفی به سرمشق بشری است . دولت به این دلیل ضروری است که انسان ها گناهکار و ویران گرد و در این جا سنت مسیحی از فلسفه سیاسی کلاسیک می گسلد ، زیرا در فلسفه سیاسی کلاسیک با تأکیدی که بر تعلیم و تربیت می رود ، انسان ها اصلاح پذیرند ولی در این جا مردم گناهکار را نمی توان اصلاح کرد ؛ بلکه فقط باید مهارشان کرد . ابزار مهار هم چیزی نیست مگر ، قدرت اجبار کننده دستگاه دولت . در این دو قطعه که از پولس رسول ذکر کردیم وی برای دولت دو ویژگی قائل بود:

۱- حفظ صلح و امنیت ؛

۲- مجازات بدکاران ،

یعنی وظایفی صرفاً منفی و سلبی . گوئی دولت شرّ لازمی است که گریزی از وجود آن نیست و به خودی خود مطلوبیت ندارد . درباره شباهت این دیدگاه فلاسفه سیاسی مدرن و نگاه آن ها به دولت بعداً به تفصیل سخن خواهیم گفت . هر چند مبادی و زمینه هایی که هر یک را به این نتیجه واحد رسانده است ، اختلافات فاحش دارد.

### مبحث دوم : نظریه های سیاسی در قرون وسطی

#### گفتار اول : سنت آگوستین<sup>۴۱</sup>

« سنت آگوستین ( ۴۳۰ ، ۳۵۴ م ) شاگرد "سنت امبروز" از آباء پر نفوذ کلیسا ، در سده

چهارم و پنجم میلادی بود .»<sup>۴۲</sup>

«او در چرخش گاه مهمی از اندیشه سیاسی قرار گرفته است و در تاریخ اندیشه سیاسی

بنیانگذار شیوه تازه ای در تفکر می باشد ، که آثار پر دامنه ای داشته است . آگوستین در سال

<sup>41</sup> Saint Augustine

<sup>42</sup> عالم ، عبدالرحمن ، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (۱۳۸۱) ، چاپ پنجم ، تهران ، انتشارات وزارت امور خارجه ، ص ۲۲۳ .

۳۵۴ م در شهر تاگاست<sup>۴۳</sup> (نام فعلی : سوق اهراس<sup>۴۴</sup>) در شمال آفریقا (در کشور الجزایر

فعلی) و از متصرفات امپراتوری روم به دنیا آمد.<sup>۴۵</sup>

«امپراتوری روم در این زمان اگر چه هنوز بر پهنه وسیعی از جهان تمدن غرب سلطه داشت ، اما دوره زوال قدرت خود را می گذراند . امپراتوری روم در این سال ها بر حملات مداوم و بی امان اقوام وحشی در شمال اروپا قرار گرفته و متحمل شکست های خفت باری شده بود . ۴۵ سال از عمر آگوستین گذشته بود که شهر روم زیر حملات کوبنده قبایل گوت و توسط آلاریک<sup>۴۶</sup> در سال ۴۱۰ م در هم کوبیده شد و با خاک یکسان گشت .»<sup>۴۷</sup>

«آگوستین در خانواده ای محتشم از وابستگان به دستگاه حکومتی روم متولد شد . مادرش مسیحی اما پدرش کافر بود و خود او نیز همچون پدرش در جوانی بت پرست بود . تحصیل او در «کارتاژ»<sup>۴۸</sup> ، آتیة درخشانی برایش نوید می داد . ابتدا در همان شمال آفریقا ، در زمینه فنّ معانی و بیان لاتینی کلاسیک ، تعلیم دیده و در سال ۳۸۳ م از راه دریا به "روم"<sup>۴۹</sup> عزیمت کرد و سمت استادی فنّ معانی و بیان را از آن سامان یافت .

پس از گذشت یک سال ، از "روم" به "میلان"<sup>۵۰</sup> رفت و در آن جا در مقام استادی ، فنّ بیان و خطابه تدریس کرد و همان جا بود که "امبروز"<sup>۵۱</sup> یعنی استاد خود و اسقف شهر میلان را ملاقات کرد و به طرز هیجان انگیزی از باورهای گذشته خود دست کشید . آگوستین در کتاب مشهورش به نام «اعترافات» سرگذشت زندگانی خود را به رشته تحریر کشیده و از پیشامد ها

<sup>43</sup> Tagast

<sup>44</sup> Souk Ahras

<sup>45</sup> ردهد ، برایان ، اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو (۱۳۷۳) چاپ دوم ، ترجمه مرتضی کافی و اکبر افسری ، تهران ، آگه ، ص ۷۳ .

<sup>46</sup> Alaric

<sup>47</sup> ب. فاستر ، مایکل ، خداوندان اندیشه سیاسی ، ترجمه جواد شیخ الاسلامی (۱۳۷۰) ، جلد دوم ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی ، ص ۳۹۱ .

<sup>48</sup> Carthago

<sup>49</sup> Rome

<sup>50</sup> Milan

<sup>51</sup> Ambrose

و تجربیاتی که سرانجام باعث گرویدنش به دین مسیحیت گردیده ، پرده برداشته است . افراط کاری های زمان جوانی اش ، جستجوهای بعدیش برای کشف حقیقت ، گرایش قبلی اش به سوی دین مانی و ایمان آوردن نهایی اش به آئین مسیحیت در سال ۳۸۷ میلادی (در سن ۳۳ سالگی) همه این مراحل در کتاب اعترافات شرح داده شده است . در سال ۳۹۱ (یعنی چهار سال پس از پذیرفتن دین مسیح) به مرتبه کشیشی نایل گشت . در سال ۳۹۰ اسقف شهر هیپو<sup>۵۲</sup> واقع در آفریقای شمالی گردید و تا پایان عمرش در همین شهر اقامت گزید . به سال ۴۲۹ قبایل وحشی "واندال"<sup>۵۳</sup> به آفریقا حمله بردند و در سال ۴۳۰ شهر هیپو را محاصره کردند . در دوران محاصره شهر بود که آگوستین چشم از جهان فرو بست .<sup>۵۴</sup>

« آگوستین عمری را به مطالعه و نوشتن مشغول بود و از جمله اندیشمندانی است که نویسنده پرکار و دارای تألیفات زیادی به حساب می آید . او افزون بر کتاب «اعترافات» که زندگی نامه خود نوشت او و نخستین نوشته از این نوع است ، رساله هایی درباره مسائل فلسفی ، انتقاد از دین های دیگر ، دفاع از مسیحیت و شماری از تغییرها و تأویل ها درباره آموزش های مسیحی نوشت ؛ ولی مهمترین نوشته و اثر آگوستین بی شک کتاب "شهر خدا"<sup>۵۵</sup> نام دارد که حاوی اندیشه های کلامی و فلسفی است . این کتاب موضوعات گسترده در مسائل مختلف شرعی و کلامی دین مسیح را در بر دارد که آگوستین سیزده سال را صرف نوشتن آن کرد.<sup>۵۶</sup> »  
« می توان گفت که کتاب "شهر خدا"<sup>۵۷</sup> پر نفوذترین نوشته در دوره های میانه بعدی بوده است . شهر خدا برای این نوشته شد که آگوستین می خواست از کلیسا در برابر اتهام علیه آن توسط دشمنان دفاع کند ، دشمنان کلیسا ، رومی هایی که مسیحیت را نپذیرفته و همچنان مشرک

<sup>52</sup> hippo

<sup>53</sup> Vandal

<sup>۵۴</sup> ب. فاستر ، مایکل ، خداوندان اندیشه سیاسی ، پیشین ، صص ۳۳۶-۳۳۵ .

<sup>55</sup> Cite de Dieu

<sup>۵۶</sup> پولادی ، کمال ، تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب " از سفراط تا ماکیاولی " (۱۳۸۲) ، چاپ دوم ، تهران ، نشر مرکز ، ص ۱۱۳ .

<sup>۵۷</sup> برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : آگوستین ، آرلیوس ، شهر خدا (۱۳۹۱) ، ترجمه حسین توفیقی ، چاپ اول ، قم ، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب .

باقی مانده بودند ، مسیحیت را مسئول افتادن روم به دست قوم های وحشی در سال ۴۱۰ می دانستند . نخستین کتاب از ده کتاب شهر خدا اختصاص به ردّ این اتهام داشت . او ضمن حمله به کفر ، نخست می کوشد تا ثابت کند که انحطاط امپراتوری روم ربطی به دین مسیح ندارد و می گوید که آن چه جامعه را پایدار نگاه می دارد ، عدل است و برقراری عدل در میان مردمی که در اندیشه خودپرستی و سودجویی می باشند ، ممکن نیست .<sup>۵۸</sup>

آگوستین استدلال کرد که اگر همه مردم و همه فرمانروایان ، مسیحیت را به صدق قبول کرده بودند ، دولت با بدبختی رو به رو و نگونسار نمی شد و امپراتوری روم نیز به همین گونه با عدل بیگانه شد و ثانیاً استدلال کرده که گرایش امپراتوری به مسیحیت ظاهری بود و حال آن که اگر ایمان راستین داشت ، نیرومند و پایدار می ماند . به علاوه مسیحیت ، با دلاوری و پیکار جویی به شرط آن که بر ضدّ ستم باشد ، مخالف نیست و حتی آن را واجب می داند . آگوستین را به سبب اعلان این فکر ، از بنیان گذاران اصل "جنگ دادگرانه" در حقوق بین الملل می دانند.<sup>۵۹</sup>

« آگوستین در سر تا سر زندگیش به کار تحریر و تألیف اشتغال داشت و مجموعه آثار وی بسیار مفصل است . این آثار شامل و عظم نامه ها ، نوشته های الهیاتی ، تفسیرات بر کتاب مقدس و دفاع از مسیحیت است . بعد از کتاب اعترافات<sup>۶۰</sup> (Confesio) ، کتاب شهر خدا بی گمان بزرگترین اثر آگوستین است . کتاب شهر خدا موضوعات زیادی را در بر گرفته است : رستاخیز جسم ، زندگانی آخرت ، وظایف یک بنده مسیحی در روابطش با مقامات کشوری . در

---

<sup>۵۸</sup> عنایت ، حمید ، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب (۱۳۶۶) ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ص ۱۲۱ .  
<sup>۵۹</sup> طاهری ، ابوالقاسم ، تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (۱۳۸۳) ، چاپ پنجم ، تهران ، انتشارات قومس ، ص ۱۴۳ .  
<sup>۶۰</sup> ادبیات ملل سرشار از خودنوشت هایی است که ذهن مشتاق خوانندگان را به فراسوی آثار اهل قلم راهبر می شود و در این میان ، مکتوبات گران قدری عنوان " اعترافات " را بر خود دارند . با این حال ، چه بسا نتوان اعترافات قدیس آگوستین را جز از جهت صورت ظاهر آن که حدیث نفس است ، با هیچ یک از خود نوشته های اعتراف گونه ، هم سنگ دانست . موقعیت خاصّ قدیس آگوستین که از متفکران بزرگ و ارزشمند جهان مسیحیت و از آباء کلیسای کاتولیک روم است از یک سو ، و معرفت و آشنایی او نسبت به فیلسوفان و متألهان پیش از خود از سوی دیگر ، و بالاخره عشق شورمندانه وی به پروردگار ، کتاب اعترافات را به جاذبه های ادبی ، دینی و کلامی - فلسفی آراسته است . برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به : آگوستین ، آریوس ، اعترافات قدیس آگوستین (۱۳۸۷) ، ترجمه سایه میثمی ، چاپ چهارم ، تهران ، دفتر نشر و پژوهش سهروردی .